

## یسوع یُشیع أربعة آلاف

<sup>1</sup> فِي تِلْكَ الْيَّامِ إِذْ كَانَ الْجَمْعُ كَثِيرًا جِدًّا وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ مَا يَأْكُلُونَ دَعَا يَسُوعُ تَلَامِيذَهُ وَقَالَ لَهُمْ: <sup>2</sup> إِنِّي أَشْفَقُ عَلَى الْجَمْعِ لِأَنَّ الْآنَ لَهُمْ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ يَمْكُنُونَ مَعِيَ وَلَيْسَ لَهُمْ مَا يَأْكُلُونَ. <sup>3</sup> وَإِنْ صَرَفْتُهُمْ إِلَى بُيُوتِهِمْ صَائِمِينَ يُجَوِّرُونَ فِي الطَّرِيقِ، لَأَنَّ قَوْمًا مِنْهُمْ جَاءُوا مِنْ بَعِيدٍ. <sup>4</sup> فَأَجَابَهُ تَلَامِيذُهُ: مِنْ أَيْنَ يَسْتَطِيعُ أَحَدٌ أَنْ يُشِيعَ هَؤُلَاءِ خُبْرًا هُنَا فِي الْبَرِّيَّةِ؟ فَسَأَلَهُمْ: كَمْ عِنْدَكُمْ مِنَ الْخُبْزِ؟ فَقَالُوا: سَبْعَةٌ. <sup>6</sup> فَأَمَرَ الْجَمْعَ أَنْ يَتَكَيُّوا عَلَى الْأَرْضِ وَأَخَذَ السَّبْعَ خُبْزَاتٍ وَشَكَرَ وَكَسَّرَ وَأَعْطَى تَلَامِيذَهُ لِيُقَدِّمُوا فَقَدَّمُوا إِلَى الْجَمْعِ. <sup>7</sup> وَكَانَ مَعَهُمْ قَلِيلٌ مِنْ صِغَارِ السَّمَكِ، فَبَارَكَ وَقَالَ أَنْ يُقَدِّمُوا هَذِهِ أَيْضًا. <sup>8</sup> فَأَكَلُوا وَشَبِعُوا، ثُمَّ رَفَعُوا قِصَلَاتِ الْكِسْرِ سَبْعَةَ سِلَالٍ. <sup>9</sup> وَكَانَ الْأَكْلُونَ نَحْوَ أَرْبَعَةِ آلَافٍ، ثُمَّ صَرَفَهُمْ. <sup>10</sup> وَلِلْوَقْتِ دَخَلَ السَّفِينَةَ مَعَ تَلَامِيذِهِ وَجَاءَ إِلَى نَوَاحِي دَلْمَاثُوتَةَ.

## الفریسیون یطلبون آية

<sup>11</sup> فَخَرَجَ الْفَرِيسِيُّونَ وَابْتَدَأُوا يُجَاوِرُونَهُ طَالِبِينَ مِنْهُ آيَةً مِنَ السَّمَاءِ لِكَيْ يُجَرَّبُوهُ. <sup>12</sup> فَتَهَدَّى بِرُوحِهِ وَقَالَ: لِمَاذَا يَطْلُبُ هَذَا الْجِيلُ آيَةً؟ الْحَقُّ أَقُولُ لَكُمْ: لَنْ يُعْطَى هَذَا الْجِيلُ آيَةً.

## یسوع یُحذِّر من خميرة الفریسیین

<sup>13</sup> ثُمَّ تَرَكَهُمْ وَدَخَلَ أَيْضًا السَّفِينَةَ وَمَضَى إِلَى الْعَبْرِ. <sup>14</sup> وَتَسَوَّأُوا أَنْ يَأْخُذُوا خُبْرًا وَلَمْ يَكُنْ مَعَهُمْ فِي السَّفِينَةِ إِلَّا رَغِيفٌ وَاحِدٌ. <sup>15</sup> وَأَوْصَاهُمْ قَائِلًا: انْظُرُوا وَتَحَرَّزُوا مِنْ خَمِيرِ الْفَرِيسِيِّينَ وَخَمِيرِ هِيرُودَس. <sup>16</sup> فَفَكَّرُوا قَائِلِينَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: لَيْسَ عِنْدَنَا خُبْرٌ. <sup>17</sup> فَعَلِمَ يَسُوعُ وَقَالَ لَهُمْ: لِمَاذَا تُفَكِّرُونَ أَنْ لَيْسَ عِنْدَكُمْ خُبْرٌ؟ أَلَا تَسْمَعُونَ بَعْدَ وَلَا تَفْهَمُونَ؟ أَحَتَى الْآنَ قُلُوبُكُمْ غَلِيظَةً؟ <sup>18</sup> أَلَكُمُ أُعْيُنٌ وَلَا تُبْصِرُونَ، وَلَكُمُ آذَانٌ وَلَا تَسْمَعُونَ، وَلَا تَذْكُرُونَ؟ <sup>19</sup> حِينَ كَسَرْتُ الْأَرْغِفَةَ الْخَمْسَةَ لِلْخَمْسَةِ الْآلَافِ كَمْ فُقَّةً مَمْلُوءَةً كِسَرًا رَفَعْتُمْ؟ قَالُوا لَهُ: اثْنَتَيْ عَشْرَةَ. <sup>20</sup> وَحِينَ السَّبْعَةَ لِلْأَرْبَعَةِ الْآلَافِ، كَمْ سَلًا كِسَرًا مَمْلُوءًا رَفَعْتُمْ؟ قَالُوا: سَبْعَةَ. <sup>21</sup> فَقَالَ لَهُمْ: كَيْفَ لَا تَفْهَمُونَ؟

## یسوع یُشیع انسان أعمى

<sup>22</sup> وَجَاءَ إِلَى بَنَاتِ صَيْدَا، فَقَدَّمُوا إِلَيْهِ أَعْمَى وَطَلَبُوا إِلَيْهِ أَنْ يَلْمَسَهُ. <sup>23</sup> فَأَخَذَ يَدَ الْأَعْمَى وَأَخْرَجَهُ إِلَى خَارِجِ الْقَرْيَةِ وَثَقَلَ فِي عَيْنَيْهِ وَوَضَعَ يَدَيْهِ عَلَيْهِ وَسَأَلَهُ: هَلْ أَبْصَرَ

## غذا دادن عیسی به چهار هزار مرد

<sup>1</sup> و در آن ایام باز جمعیت، بسیار شده و خوراکی نداشتند. عیسی شاگردان خود را پیش طلبیده، به ایشان گفت: <sup>2</sup> بر این گروه دلم بسوخت زیرا الآن سه روز است که با من می‌باشند و هیچ خوراک ندارند. <sup>3</sup> و هرگاه ایشان را گرسنه به خانه‌های خود برگردانم، هرآینه در راه ضعف کنند، زیرا که بعضی از ایشان از راه دور آمده‌اند. <sup>4</sup> شاگردانش وی را جواب دادند: از کجا کسی می‌تواند اینها را در این صحرا از نان سیر گرداند؟ <sup>5</sup> از ایشان پرسید: چند نان دارید؟ گفتند: هفت. <sup>6</sup> پس جماعت را فرمود تا بر زمین بنشینند؛ و آن هفت نان را گرفته، شکر نمود و پاره کرده، به شاگردان خود داد تا پیش مردم گذارند. پس نزد آن گروه نهادند. <sup>7</sup> و چند ماهی کوچک نیز داشتند. آنها را نیز برکت داده، فرمود تا پیش ایشان نهند. <sup>8</sup> پس خورده، سیر شدند و هفت زنبیل پر از پاره‌های باقیمانده برداشتند. <sup>9</sup> و عدد خورندگان قریب به چهار هزار بود، پس ایشان را مرخص فرمود. <sup>10</sup> و بی‌درنگ با شاگردان به کشتی سوار شده، به نواحی دلماثوته آمد.

## درخواست فریسیان برای نشانه

<sup>11</sup> و فریسیان بیرون آمده، با وی به مباحثه شروع کردند، و از راه امتحان آیتی آسمانی از او خواستند. <sup>12</sup> او از دل آهی کشیده، گفت: از برای چه این فرقه آیتی می‌خواهند؟ هرآینه به شما می‌گویم آیتی بدین فرقه عطا نخواهد شد. <sup>13</sup> پس ایشان را گذارد و باز به کشتی سوار شده، به کناره دیگر عبور نمود.

## خمیرمایه فریسیان و خمیرمایه هیرودیس

<sup>14</sup> و فراموش کردند که نان بردارند و با خود در کشتی جز یک نان نداشتند. <sup>15</sup> آنگاه ایشان را قدغن فرمود که با خبر باشید و از خمیرمایه فریسیان و خمیرمایه هیرودیس احتیاط کنید! ایشان با خود اندیشیده، گفتند: از آن است که نان نداریم. <sup>17</sup> عیسی فهم کرده، بدیشان گفت: چرا فکر می‌کنید از آن جهت که نان ندارید؟ آیا هنوز نفهمیده و درک نکرده‌اید و تا حال دل شما سخت است؟ <sup>18</sup> آیا چشم داشته نمی‌بینید و گوش داشته نمی‌شنوید و به یاد ندارید؟ <sup>19</sup> وقتی که پنج نان را برای پنج هزار نفر پاره کردم، چند سبد پر از پاره‌ها

برداشتید؟ بدو گفتند: دوازده.<sup>20</sup> و وقتی که هفت نان را بجهت چهار هزار کس؛ پس چند زنبیل پر از ریزه‌ها برداشتید؟ گفتندش: هفت.<sup>21</sup> پس بدیشان گفت: چرا نمی‌فهمید؟

### عیسی شفا می‌کند یک مرد کور را

<sup>22</sup> چون به بیت صیدا آمد، شخصی کور را نزد او آوردند و التماس نمودند که او را لمس نماید.<sup>23</sup> پس دست آن کور را گرفته، او را از قریه بیرون برد و آب دهان بر چشمان او افکند، و دست بر او گذارده از او پرسید که چیزی می‌بینی؟<sup>24</sup> او بالا نگریسته، گفت، مردمان را خرامان، چون درختها می‌بینم.<sup>25</sup> پس بار دیگر دستهای خود را بر چشمان او گذارده، او را فرمود تا بالا نگریست و صحیح گشته، همه چیز را به خوبی دید.<sup>26</sup> پس او را به خانهاش فرستاده، گفت: داخل ده مشو و هیچ کس را در آن جا خبر مده.

### توبی مسیح هستی

<sup>27</sup> و عیسی با شاگردان خود به دهات قیصریه فیلیپس رفت. و در راه از شاگردانش پرسیده، گفت که: مردم مرا که می‌دانند؟<sup>28</sup> ایشان جواب دادند که: یحیی تعمیددهنده و بعضی الیاس و بعضی یکی از انبیا.<sup>29</sup> او از ایشان پرسید، شما مرا که می‌دانید؟ پطرس در جواب او گفت: تو مسیح هستی.<sup>30</sup> پس ایشان را فرمود که هیچ کس را از او خبر ندهند.

### اولین پیشگویی درباره مرگ و قیام عیسی

<sup>31</sup> آنگاه ایشان را تعلیم دادن آغاز کرد که لازم است پسر انسان بسیار زحمت کشد و از مشایخ و رؤسای کهنه و کاتبان رد شود و کشته شده، بعد از سه روز برخیزد.<sup>32</sup> و چون این کلام را علانیه فرمود، پطرس او را گرفته، به منع کردن شروع نمود.<sup>33</sup> اما او برگشته، به شاگردان خود نگریسته، پطرس را نهیب داد و گفت: ای شیطان، از من دور شو، زیرا امور الهی را اندیشه نمی‌کنی بلکه چیزهای انسانی را.

### جان‌بینی و انکار

<sup>34</sup> پس مردم را با شاگردان خود خوانده، گفت: هر که خواهد از عقب من آید، خویشتن را انکار کند و صلیب خود را برداشته، مرا متابعت نماید.<sup>35</sup> زیرا هر که خواهد جان خود را نجات دهد، آن را هلاک سازد؛ و هر که جان خود را بجهت من و انجیل بر باد دهد آن را برهاند.<sup>36</sup> زیرا که شخص را چه سود دارد هر گاه تمام

شئنا؟<sup>24</sup> فَتَطَّلَعَ وَقَالَ: أَبْصَرَ النَّاسَ كَأَشْجَارٍ يَمْشُونَ.<sup>25</sup> ثُمَّ وَصَعَ يَدَيْهِ أَيْضًا عَلَى عَيْنَيْهِ وَجَعَلَهُ يَتَطَّلَعُ، فَعَادَ صَاحِبًا وَأَبْصَرَ كُلَّ إِنْسَانٍ جَلِيًّا.<sup>26</sup> فَأَرْسَلَهُ إِلَى بَيْتِهِ قَائِلًا: لَا تَدْخُلِ الْقَرْيَةَ وَلَا تَقُلْ لَأَحَدٍ فِي الْقَرْيَةِ.

### پطرس اعتراف آن یسوع هو المسیح

<sup>27</sup> ثُمَّ خَرَجَ يَسُوعُ وَتَلَامِيذُهُ إِلَى قُزَى قَيْصَرِيَّةِ فِيلِپُسَ، وَفِي الطَّرِيقِ سَأَلَ تَلَامِيذَهُ قَائِلًا: مَنْ يَقُولُ النَّاسُ إِنِّي أَنَا؟<sup>28</sup> فَأَجَابُوا: يُوحَنَّا الْمَعْمَدَانُ، وَآخَرُونَ إِبِلِيَّا، وَآخَرُونَ وَاجِدٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ.<sup>29</sup> فَقَالَ لَهُمْ: وَأَنْتُمْ، مَنْ تَقُولُونَ إِنِّي أَنَا؟ فَأَجَابَ پَطْرُسُ: أَنْتَ الْمَسِيحُ.<sup>30</sup> فَانْتَهَرَهُمْ كَيْ لَا يَقُولُوا لَأَحَدٍ عَنْهُ.

### یسوع ینبئ بموته و قیامته اول مره

<sup>31</sup> وَابْتَدَأَ يُعَلِّمُهُمْ أَنَّ ابْنَ الْإِنْسَانِ يَتَّبِعُنِي أَنْ يَتَّأَلَّمَ كَثِيرًا، وَيُرْفَضَ مِنَ الشُّيُوعِ وَرُؤَسَاءِ الْكَهَنَةِ وَالْكَتَبَةِ، وَيُقْتَلَ، وَبَعْدَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ يَقُومُ.<sup>32</sup> وَقَالَ الْقَوْلُ غَلَانِيَّةً، فَأَخَذَهُ پَطْرُسُ إِلَيْهِ وَابْتَدَأَ يَنْهَرُهُ.<sup>33</sup> فَانْتَفَتَّ وَأَبْصَرَ تَلَامِيذُهُ فَانْتَهَرَ پَطْرُسَ قَائِلًا: اذْهَبْ عَنِّي يَا شَيْطَانُ، لِأَنَّكَ لَا تَهْتَمُّ بِمَا لِلَّهِ لَكِنْ بِمَا لِلنَّاسِ.

### شرط اتباع یسوع

<sup>34</sup> وَدَعَا الْجَمْعَ مَعَ تَلَامِيذِهِ وَقَالَ لَهُمْ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَأْتِيَ وَرَائِي فَلْيُكَرِّمْ نَفْسَهُ وَيَحْمِلْ صَلِيبَهُ وَيَتَّبِعْنِي.<sup>35</sup> فَإِنَّ مَنْ أَرَادَ أَنْ يُخَلِّصَ نَفْسَهُ يُهْلِكُهَا، وَمَنْ يُهْلِكُ نَفْسَهُ مِنْ أَجْلِي وَمِنْ أَجْلِ الْإِنْجِيلِ فَهُوَ يُخَلِّصُهَا.<sup>36</sup> لِأَنَّهُ مَاذَا يَنْتَفِعُ الْإِنْسَانُ لَوْ رَجَعَ الْعَالَمُ كُلُّهُ وَخَسِرَ نَفْسَهُ؟ أَوْ مَاذَا يُعْطِي الْإِنْسَانُ فِدَاءً عَنْ نَفْسِهِ؟<sup>38</sup> لِأَنَّ مَنْ اسْتَحَى بِي وَيَكَلَّامَنِي فِي هَذَا الْجِيلِ الْقَاسِيِ الْخَاطِئِ فَإِنَّ ابْنَ الْإِنْسَانِ يَسْتَحِي بِهِ مَتَى جَاءَ يَمَجِّدُ أَبِيهِ مَعَ الْمَلَائِكَةِ الْقَدِيسِينَ.

دنیا را ببرد و تفس خود را بپازد؟<sup>37</sup> یا آنکه آدمی چه چیز را به عوض جان خود بدهد؟<sup>38</sup> زیرا هر که در این فرقه زناکار و خطاکار از من و سخنان من شرمنده شود، پسر انسان نیز وقتی که با فرشتگان مقدس در جلال پدر خویش آید، از او شرمنده خواهد گردید.